

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «معاهده بین‌المللی»

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۷۸

تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۲۵



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «معاهده بین‌المللی»

مؤلف:

سید محمدعلی عبداللہی

ناظر علمی:

علی بہادری جہرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۷۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۵/۲۵

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۴.....	چکیده
۵.....	۱. مفهوم شناسی
۵.....	۱،۱. مفهوم لغوی
۵.....	۱،۲. مفهوم اصطلاحی
۹.....	۲. مفاهیم مشابه
۱۰.....	۳. تاریخچه
۱۲.....	۴. اقسام و انواع
۱۲.....	۴،۱. از حیث تشریفات انعقاد
۱۳.....	۴،۲. از حیث ماهیت
۱۳.....	۴،۳. از حیث تعداد طرف ها
۱۴.....	۴،۴. از حیث موضوع
۱۴.....	۵. مبانی فقهی

۶. مبانی حقوقی..... ۱۶
۷. نظام حقوقی ایران..... ۱۸
- جمع بندی..... ۲۱
- منابع مرتبط جهت مطالعه بیش تر..... ۲۲
- فهرست منابع..... ۲۳

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

(معاهده بین المللی / ۱/ معاهده الدولیه / International Treaty)

چکیده

معاهده از ریشه عهد است و عهد در لغت به معنای نگاه داشتن و رعایت کردن است. در اصطلاح معاهده به معنای توافق بین المللی دولت ها است، به نحوی که شرایط لازم مطابق حقوق بین الملل را دارا باشد. شاخصه اصلی معاهدات بین المللی، همان الزام آور بودنشان میان طرف های پذیرنده آن معاهدات است. به همین دلیل اسامی مختلفی که برای این مفهوم در عرصه بین المللی به کار می رود، ماهیت این پدیده را تغییر نمی دهد، بلکه فارغ از نامی که برای آن برگزیده می شود، دارا بودن شرایط لازم مطابق حقوق بین الملل است که توافق تابعان حقوق بین الملل را به یک معاهده بین المللی تبدیل می سازد.

در اسلام نیز، بر مبنای اصل اساسی وفای به عهد که در منابع اسلامی مورد تأیید و تأکید واقع شده است، معاهدات بین المللی پذیرفته شده است و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد روابط میان کشورهای اسلامی با یکدیگر یا با غیرمسلمانان استفاده می شده و می شود. به همین ترتیب، در حقوق ایران نیز معاهده به عنوان یکی از نهادهای پذیرفته حقوق بین الملل مورد توجه قرار گرفته و در قانون اساسی و قوانین عادی شرایط و قواعد حاکم بر آن مقرر گردیده است. دولت هنگام انعقاد یا الحاق به یک معاهده بین المللی باید شرایط مقرر در قوانین داخلی را مرعی دارد. در این صورت، در نتیجه پیوستن ایران به یک معاهده بین المللی، معاهده مذکور در حکم قوانین عادی خواهد بود و رعایت آن از سوی دولت و مردم الزامی است.

کلید واژگان:

معاهده، پیمان، اصل وفای به عهد، حقوق بین الملل، قرارداد، اصل نسبی بودن.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. مفهوم لغوی

اصطلاح «معاهده بین‌المللی» از ترکیب وصفی دو واژه «معاهده» و «بین‌المللی» ساخته شده است. واژه «معاهده» در حقیقت، واژه‌ای عربی است که از ریشه «عهد» است. این ریشه در زبان عربی و فارسی معانی متعدد دارد که معانی مهم آن «رعایت کردن، نگاه داشتن و شرط بستن» است (دهخدا، ۱۳۸۵، ۲۰۲۷). عالمان لغت فارسی، واژه «پیمان» را معادل عهد دانسته و معانی قول و قرار یا سوگند را برای آن منظور داشته‌اند. (دهخدا، ۱۳۸۵، ۶۵۷). مرحوم دهخدا در لغت‌نامه خود ذیل مدخل «پیمان» نوشته است: «در عرف عبارت است از دست بر دست دادن برای یاد داشتن انعقاد امری که بین‌الطرفین مقرر شود.» (دهخدا، ۱۳۸۵، ۶۵۷).

واژه معاهده از آن‌جا که مصدر باب مفاعله است، مفید معنای مشارکت و عمل طرفینی است. بنابراین معاهده را می‌توان به معنای پیمان دو طرفه، با هم عهد بستن، و معنای‌ای از این دست دانست، همان‌طور که علمای لغت نیز چنین کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۸۵، ۲۷۵۰). این همان معنایی است که در زبان عربی نیز برای واژه «معاهده» بیان شده است. (فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی، ۱۳۸۳، ۷۹۲)

معنای معاهده در زبان انگلیسی با استفاده از واژه treaty و در فرانسه با واژه traité بیان می‌شود. واژه‌های مذکور که از ریشه لاتینی tractatus مشتق شده‌اند، در اصل به معنای توافق یا شروطی است که از طریق مذاکره میان دو یا چند نفر منعقد می‌شود. (Merriam - Websters, ۱۳۳۳، ۲۰۰۳).

وصف بین‌المللی نیز بیان‌گر این امر است که معاهده در معنای مذکور، میان ملل مختلف یا همه ملل (دهخدا، ۱۳۸۵، ۵۲۲) یا به تعبیر امروز دولت‌های مختلف محقق می‌شود. به عبارت دیگر مجموعه دو یا چند کشور با یکدیگر پیمان می‌بندند.

۱.۲. مفهوم اصطلاحی

دانشمندان حقوق، برای اصطلاح «معاهده بین‌المللی» تعریف‌های مختلف و متعددی را ذکر نموده‌اند که در عین تشابه، دارای اختلافاتی است. به عنوان نمونه، برخی از معاهده بین‌المللی به عنوان «قرارداد یا توافق مکتوب بین دو یا چند طرف که در حقوق بین‌الملل

لازم الاجرا تلقی می شود.» سخن گفته اند (ایوانز، ۱۳۸۱، ۸۲۴). برخی دیگر از منظر عرف، معاهده بین المللی را «هرگونه توافق منعقد میان تابعان حقوق بین الملل به منظور حصول آثار حقوقی معینی طبق مقررات حقوق بین الملل» دانسته اند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ۹۶).

باین حال، به نظر می رسد معتبرترین و مشهورترین تعریفی که از معاهده بین المللی ارائه شده، همان است که در معاهده ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات آمده است. بند الف از ماده ۲ این معاهده که به تعریف اصطلاحات می پردازد، مقرر می کند: «معاهده عبارت است از توافقی بین المللی دولت ها که به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از این که در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد.» (کمالان، ۱۳۸۹، ۲۰۶ - ۲۰۷).

بنابر تعریف فوق، که مورد پذیرش بسیاری از حقوق دانان قرار گرفته است، معاهده بین المللی دارای عناصر زیر است:

- یک توافق بین المللی است؛ یعنی میان تابعان حقوق بین الملل صورت می گیرد. بنابراین توافقی هایی که میان اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی، مثل شرکت های تجاری، بازرگانان و... منعقد می گیرد، معاهده به شمار نمی آید. علاوه بر دولت ها، معاهدات ممکن است به نمایندگی از دولت ها، میان رؤسای دولت های طرف های متعاقد، بین حکومت ها، بین وزرای امور خارجه یا وزرای دیگر دول ذی ربط، بین نمایندگان دیگر سازمان های حکومتی یا بین رؤسای قوای مسلح (مثلاً در مورد قرارداد آتش بس) منعقد گردد (بلدسو، ۱۳۷۵، ۴۰۱).

یکی از نکات قابل توجه این است که در بند الف از ماده ۲ مذکور، فقط از کشورها (دولت ها) نام برده شده است و سخنی از دیگر تابعان حقوق بین الملل در میان نیست. باین حال، در ماده ۳ تلویحاً به این واقعیت اشاره شده و اعتبار معاهدات دولت ها با دیگر تابعان حقوق بین الملل مسجل دانسته شده است^۱ (فلسفی، ۱۳۹۱، ۱۹۴).

۱. ماده ۳ معاهده وین ۱۹۶۹: این امر که معاهده حاضر، توافقات بین المللی منعقد میان دولت ها و سایر موضوعات حقوق بین المللی، یا میان اشخاص اخیر، یا توافقی های غیر کتبی را شامل نمی شود، تأثیری بر موارد زیر نخواهد گذارد:

الف - الزام حقوقی توافقی های مورد اشاره؛

ب - اعمال هر یک از قواعد معاهده حاضر که خارج از این معاهده و به موجب حقوق بین الملل در مورد توافقی های مذکور قابل اعمال خواهد بود؛

علاوه بر این، این خلأ با انعقاد «عهدنامه وین در زمینه حقوق معاهدات میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی یا سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر» در ۲۱ مارس ۱۹۸۶ نیز رفع گردید (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ۹۷).

- کتبی است؛ البته در ماده ۳ که شرح آن گذشت، توافقی‌های غیرکتبی نیز به طور ضمنی پذیرفته شده است. با این وجود، پذیرش توافقی‌های شفاهی^۱ به عنوان معاهده، مخالفانی نیز دارد. به اعتقاد مخالفان، اگرچه معاهده اصطلاحی انعطاف‌پذیر است، اما به طور کلی استفاده از آن محدود به توافقی‌های رسمی‌تر مربوط به روابط بنیادین دولت‌ها با یکدیگر یا با سازمان‌های بین‌المللی است (ایوانز، ۱۳۸۱، ۸۲۴).

- تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل است. اگرچه کشورها در موضوعات مختلف و به گونه‌های متنوع به انعقاد معاهدات بین‌المللی می‌پردازند، اصول حقوق بین‌الملل و قواعد آمره بین‌المللی که غالب آن‌ها در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درج شده است، حاکم بر تمامی معاهدات بین‌المللی است؛ مگر در شرایط خاصی که طرف‌های معاهده با توافق یکدیگر، عدم شمول قاعده خاصی را می‌پذیرند که البته قواعد آمره و بنیادین بین‌المللی همواره از این قاعده مستثنی می‌باشند.

- محتوای سند مورد توافق، تعیین‌کننده ماهیت آن است نه عنوانی که طرف‌ها برای آن برمی‌گزینند. بنابراین، عناوین مختلفی که برای معاهدات بین‌المللی انتخاب می‌شود (مانند یادداشت تفاهم، پروتکل و...) تأثیری در ماهیت آن ندارد. تفصیل این امر در مطالب آتی خواهد آمد.

باتوجه به توضیحات بالا، مشخص می‌شود که هر معاهده بین‌المللی، یک توافق بین‌المللی و تابع حقوق بین‌الملل است؛ اما هر توافق بین‌المللی را نمی‌توان یک معاهده بین‌المللی قلمداد نمود. به دیگر سخن، برخی از توافقی‌های بین‌المللی خارج از شمول حقوق بین‌الملل هستند. مانند توافقی‌های بین‌المللی منعقد شده میان تابعان حقوق بین‌الملل که طبق مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم نشده باشند و حقوق بین‌الملل بر آن‌ها حاکم نباشد. برای مثال، معاهداتی که تابع قواعد فراملی یا ملی باشد مانند قراردادهای تجاری بین‌المللی



ج - اعمال این معاهده در خصوص روابط دولت‌ها با یکدیگر در آن دسته از توافقی‌های بین‌المللی که دیگر اشخاص نیز طرف آن هستند.

منعده میان تابعان حقوق بین الملل؛ یا توافق‌های میان تابعان حقوق بین الملل از یک سو و نهادهای غیردولتی از سوی دیگر (مانند سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی یا مجامع بین‌المللی حقوق خصوصی)؛ و یا توافق‌های میان تابعان حقوق بین الملل و اشخاص خصوصی خارجی مانند موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری خارجی منعده میان کشورها و سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی از این دسته‌اند (ضیائی‌بیگلری، ۱۳۸۷، ۹۷).

معمولاً هر معاهده‌ای دارای یک مقدمه^۱، مواد اساسی^۲، و مواد نهایی^۳ درباره تشریفات رسمی (مانند افتتاح برای امضا، ورود به مرحله لازم‌الاجرائی، مدت اعتبار، مهلت الغا، زبان‌های تهیه پیش‌نویس، اصلاحات، امین اسناد تصویب و...) می‌باشد که بعد از همه آن‌ها مورد امضای نمایندگان تام‌الاختیار قرار می‌گیرد (بلدسو، ۱۳۷۵، ۴۰۳). البته مقدمه معاهده خود دارای قدرت الزام‌آور نیست، بلکه عنصر تفسیر معاهده است (ضیائی‌بیگلری، ۱۳۸۷، ۱۰۴).

انعقاد یک معاهده نیز معمولاً از چند مرحله می‌گذرد: تأیید و اعتبار بخشیدن متن^۴، ابراز رضایت دول مذاکره‌کننده جهت الزام به معاهده (با امضا یا تبادل اسناد معاهده)، در غالب موارد، تصویب (پذیرش یا تأیید بعدی) و در مورد دولی که در مراحل مذاکره شرکت نداشته‌اند، الحاق (پیوستن)، و بالاخره ورود به مرحله لازم‌الاجرائی. (بلدسو، ۱۳۷۵، ۴۰۳)

در نهایت ذکر این نکته ضروری است که علاوه بر معاهدات، توافق‌های دیگری نیز میان دولت‌ها صورت می‌گیرد که به «موافقت‌نامه‌های نزاکتی»^۵ مشهور است. برخلاف سایر توافق‌های بین‌المللی خارج از شمول حقوق بین‌الملل که ماهیت حقوقی دارند، موافقت‌نامه‌های نزاکتی یا اخلاقی دارای ماهیت و خصوصیت صرفاً سیاسی هستند. موافقت‌نامه‌های نزاکتی در عین حال که تعهد سیاسی و اخلاقی ایجاد می‌کنند، فاقد آثار حقوقی لازم‌الاجرا می‌باشند و معمولاً هدف از امضای آن‌ها اتخاذ یا تعقیب خط مشی سیاسی معینی است، مانند منشور آتلانتیک مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۱، امضاشده توسط چرچیل و روزولت در مورد اصول مشترک سیاست ملی دو کشور انگلستان و ایالات متحد آمریکا (ضیائی‌بیگلری، ۱۳۸۷، ۹۸).

1. preamble
2. dispositive provisions
3. final clauses
4. authentication
5. gentlemen's agreement

۲. مفاهیم مشابه

در کنار واژه معاهده، برای ارجاع به توافق‌های بین‌المللی از اصطلاح‌های بسیار متنوعی استفاده می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان عناوینی مانند کنوانسیون، موافقت‌نامه^۱، ترتیبات قراردادی^۲، پیمان^۳، میثاق^۴، اعلامیه^۵، توافق^۶، منشور^۷، سند توافق^۸، قرارداد عمومی^۹، اساسنامه^{۱۰}، ترتیبات موقت^{۱۱}، پروتکل^{۱۲}، صورت مجلس مورد توافق^{۱۳}، و موافقت‌نامه‌های مذهبی^{۱۴} (اصطلاح اخیر برای معاهدات واتیکان درباره وضعیت کلیسا در کشور طرف قرارداد به کار می‌رود) را نام برد که فقط بخشی از لغات و اصطلاحات معمول هستند. حتی اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در ماده ۳۶ از کلمه معاهده استفاده کرده است اما در ماده ۳۸ به کنوانسیون‌ها اشاره می‌نماید و در هردو مورد، یک معنی را اراده می‌کند.

باتمام این احوال، همان‌طور که در بند الف از ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین مشاهده شد، عنوان خاصی که برای معاهده انتخاب می‌شود، به هیچ‌وجه مؤثر در ماهیت توافق صورت گرفته نمی‌باشد، بلکه این محتوای توافق است که در صورت اجتماع سایر شرایط، موجب یک معاهده بین‌المللی می‌گردد (بلدسو، ۱۳۷۵، ۴۰۰؛ ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۸، ۱۴ و ۱۵).

با این وجود، علمای حقوق، تفاوت‌هایی را برای اصطلاحات مذکور بر شمرده‌اند که بیان پاره‌ای از آن‌ها خالی از فایده نیست.

- **کنوانسیون:** معمولاً برای بیان اراده مشترک کشورها در قبول قواعد حقوق بین‌الملل عام به کار می‌رود و تقریباً برای کلیه توافق‌های صورت گرفته در چهارچوب سازمان ملل متحد از این اصطلاح استفاده شده است.

1. agreement
2. arrangement
3. pact
4. covenant
5. declaration
6. accord
7. charter
8. act
9. general act
10. statute
11. modus vivendi
12. protocol
13. process - verbal
14. concordat

- موافقت نامه: واژه‌ای است که محتوای فنی و تجاری مهمی دارد و معمولاً بیان اراده مشترک دو یا چند کشور در زمین‌های فنی، بازرگانی، و فرهنگی می‌باشد.
- اساسنامه: برای توافق‌های بین‌المللی چندجانبه‌ای به کار می‌رود که به منظور تأسیس سازمانی بین‌المللی منعقد می‌شوند.
- اعلامیه: برای بیان اصول حقوقی یا تأیید عملی به کار می‌رود.
- پروتکل: گاهی مبین قاعده‌ای حقوقی و در واقع توافق بین‌المللی مستقلی است، مانند پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در زمینه منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی؛ و زمانی مبین قواعدی است که کشورها برای اجرا، تمدید، تکمیل، تفسیر، یا اصلاح یک توافق بین‌المللی موجود بر سر آن تراضی کرده‌اند. در مواردی نیز این واژه به معنی ضمیمه توافقی است که متضمن توضیح بعضی کلمات، مواد، و... می‌باشد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸، ۱۵ و ۱۶)

۳. تاریخچه

معاهدات در سراسر تاریخ مکتوب وجود داشته و حتی تا هزاره سوم نشانه‌هایی از این پدیده دیده شده است (بلدسو، ۱۳۷۵، ۴۰۳). گفته می‌شود اولین معاهده بین‌المللی تقریباً ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد، بین لاگاش و اوما (دو کشور - شهر در حوالی بین‌النهرین) منعقد شده است (میرعباسی، ۱۳۷۹، ۲۴). در عصر استقلال یونان نیز، یعنی در حدود هزار سال پیش از میلاد، بین این کشور و سایر اقوام غیر یونانی چند معاهده بسته شد (میرعباسی، ۱۳۷۹، ۲۷). پس از آن، در روم باستان، از حدود سال ۵۰۹ پیش از میلاد، گروهی از روحانیون، متکفل اداره مراسم تشریفات مذهبی مربوط به معاهدات و سایر مسائل بین‌المللی بودند (میرعباسی، ۱۳۷۹، ۲۹).

در واقع، حقوق معاهدات از نظر شکلی و به طور کلی، ابتدا در محدوده روابط شاهان بنیاد گرفته است (فلسفی، ۱۳۹۱، ۹۶). معاهدات مهم‌ترین وسیله تنظیم حقوق در روابط متقابل دولت‌ها برای قرن‌ها و در دوران جدید منبعی برای حقوق بین‌الملل بوده‌اند (بلدسو، ۱۳۷۵، ۴۰۳). به عنوان نمونه، در قرون وسطی، معاهده صلح معروفی که بین امپراتور روم و خسرو پرویز، پادشاه ایران، منعقد می‌گردد، نمونه‌ای کامل از معاهدات کتبی است (میرعباسی، ۱۳۷۹، ۳۰).

پس از پایان قرون وسطی تا اواسط قرن بیستم نیز دول اروپایی با زیر سلطه درآوردن

کشورهای آسیایی، آفریقایی، و آمریکایی، تجارت بین‌المللی خود را گسترش داده و به منظور کسب و تثبیت هرچه بیش‌تر منافع خود، معاهدات مختلفی را با کشورهای تحت‌سلطه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی منعقد کردند.

اما مفهوم جدید معاهده را باید متعلق به حقوق بین‌الملل معاصر دانست که پس از معاهده وستفالی (۱۶۴۷ م.) پا به عرصه وجود گذاشت. در قرن هفدهم گروسیوس هلندی در کتاب «جنگ و صلح» خود برای نخستین بار از وفای به عهد^۱، به عنوان یکی از اصول بنیادین حاکم بر روابط بین‌دولت‌ها، سخن به میان آورد و برای تفسیر معاهدات، شیوه‌ای پیشنهاد کرد که از جهات بسیار با مقررات معاهده ۱۹۶۹ وین در این زمینه شباهت دارد.

اما باید توجه داشت که مفهوم معاهده از ۱۸۱۵ (زمان تشکیل کنفرانس وین) در قلمرو روابط بین‌الملل اعتبار یافت و در مدتی نزدیک به یک قرن و نیم تحولات شگرفی را پشت سر گذاشت (فلسفی، ۱۳۹۱، ۹۲). در حقیقت از آن زمان و به ویژه پس از انعقاد معاهدات بزرگ صلح در قرن هیجدهم این حقیقت آشکار شده بود که اداره بخشی از روابط بین‌الملل نیاز به کسب موافقت دولت‌های متعدد دارد. این نیاز ابتدا با جلب موافقت دولت‌ها در چهارچوب معاهدات دوجانبه برآورده شد؛ ولی در آغاز قرن نوزدهم، دولت‌ها به طور غیررسمی تصمیم گرفتند به جای معاهدات دوجانبه مختلفی که موضوعی واحد داشتند، معاهدات چندجانبه منعقد کنند (فلسفی، ۱۳۹۱، ۹۴).

این روند تا شروع جنگ‌های ویرانگر جهانی ادامه داشت. در فاصله میان دو جنگ جهانی، علاوه بر روبه‌زوال نهادن نهادهای سلطنتی، همبستگی بین‌المللی روبه‌رشد دولت‌ها سبب پیدایش سریع معاهدات مختلف گردید و در نتیجه، آیین انعقاد معاهدات را ساده‌تر کرد. پس از جنگ دوم جهانی و با شکل‌گیری فزاینده سازمان‌های بین‌المللی، این سازمان‌ها، خصوصاً سازمان ملل متحد، در امر تدوین حقوق بین‌الملل اقدامات مفیدی به انجام رسانده‌اند. کمیسیون حقوق بین‌الملل که یکی از ارکان فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد است از زمان تأسیس خود تا به حال پیش‌نویس بسیاری از معاهدات را تهیه کرده که اکثر آن‌ها به تصویب دولت‌ها رسیده است. از این میان می‌توان به معاهدات ژنو درباره حقوق دریاها، معاهدات دیپلماتیک و کنسولی و معاهده مأموریت‌های ویژه اشاره کرد

(فلسفی، ۱۳۹۱، ۱۱۱).

برجسته‌ترین کار سازمان ملل در این زمینه، تدوین حقوق معاهدات بوده است. در ۱۹۵۰ مجمع عمومی به کمیسیون حقوق بین‌الملل مأموریت داد حقوق معاهدات را تدوین کند. اقدامات کمیسیون در این باره، به علت اشتغالاتی که در قلمرو حقوق دریاها و مصونیت‌های دیپلماتیک داشت، تا ۱۹۶۰ چندان درخشان نبود و به کندی پیش می‌رفت. اما در ۱۹۶۱ کمیسیون از خود جدیت نشان داد و پیش‌نویس معاهده را تهیه کرد و در ۱۹۶۴ آن را جهت استفسار نظر دولت‌ها برای آن‌ها فرستاد، تا آن‌که سرانجام در ۱۹۶۶ پس از دریافت نظر آن‌ها، طرح نهایی معاهده را به مجمع عمومی تسلیم نمود. مجمع عمومی سرانجام در مارس ۱۹۶۸ برای گفتگو درباره این طرح، کنفرانسی در وین تشکیل داد. این کنفرانس در دو اجلاس خود، طرح معاهده وین درباره حقوق معاهدات را به تصویب رساند. در ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰، با تحقق شرایط لازم^۱، معاهده به اجرا گذاشته شد و تا دوم اوت ۲۰۱۲ معاهده به تصویب ۱۱۱ کشور جهان رسید. ایران این معاهده را امضا نموده ولی آن را تصویب نکرده است (فلسفی، ۱۳۹۱، ۱۱۴).

۴. اقسام و انواع

در حقوق بین‌الملل عمومی، معاهدات از چند حیث مورد تقسیم‌بندی قرار گرفته‌اند. علمای حقوق، با توجه به آیین انعقاد، ماهیت، تعداد طرف‌ها و موضوع، انواعی خاصی از معاهدات را برشمرده‌اند که در ادامه به احصا و تبیین این گونه‌های مختلف پرداخته می‌شود.

۴.۱. از حیث تشریفات انعقاد

معاهدات بر اساس آیین انعقادشان به دو دسته کلی معاهدات رسمی^۲ و معاهدات ساده یا اجرایی^۳ تقسیم می‌شوند. معاهده رسمی معاهده‌ای است که انعقاد آن مستلزم طی تشریفات قانونی پیچیده و طولانی است، اما موافقت‌نامه ساده یا اجرایی، معاهده‌ای است که به طور سریع و طی تشریفات ساده منعقد می‌شود (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۷، ۹۸ و ۹۹).

۱. در ماده ۸۴ معاهده قید شده است که سی روز پس از تسلیم سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق، معاهده به اجرا گذارده خواهد شد.

۲. treaty

۳. executive agreement

۴،۲. از حیث ماهیت

در این تقسیم‌بندی، که بر اساس ماهیت معاهدات صورت می‌گیرد، معاهدات عام یا قانون‌ساز^۱ و معاهدات خاص یا قراردادی^۲ جای گرفته‌اند. معاهدات عام یا قانون‌ساز، متضمن قواعد اساسی بوده، در حکم قوانین بین‌المللی به شمار می‌آیند و رعایت آن‌ها برای کلیه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی - اعم از متعاقد و غیرمتعاقد - لازم‌الاجرا است. از جمله مهم‌ترین معاهدات قانون‌ساز می‌توان به میثاق جامعه ملل، منشور ملل متحد، عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در زمینه مقررات حقوق بشردوستانه، عهدنامه‌های وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ در زمینه روابط دیپلماتیک و کنسولی و عهدنامه وین ۱۹۶۹ در زمینه حقوق معاهدات اشاره نمود (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۷، ۹۹ و ۱۰۰).

معاهدات قراردادی یا خاص - اعم از دوجانبه یا چندجانبه - در واقع به اعمال حقوقی مشخص و محدودی عینیت می‌بخشد و هدف از انعقاد آن‌ها نیل به منافع خاص کشورهای متعاقد است. از جمله این‌گونه معاهدات می‌توان از موافقت‌نامه‌های تجارتی و فرهنگی نام برد (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۷، ۱۰۰).

۴،۳. از حیث تعداد طرف‌ها

بر اساس تعداد کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی که طرف یک معاهده واقع می‌شوند، معاهدات بین‌المللی را به دوجانبه^۳ و چندجانبه^۴ تقسیم کرده‌اند (ایوانز، ۱۳۸۱، ص ۸۲۵). معاهدات چندجانبه آن‌چنان اهمیتی دارند که بعضی از صاحب‌نظران پیشنهاد کرده‌اند برای معرفی آن‌ها از واژه معاهدات عام استفاده شود (فلسفی، ۱۳۹۱، ۱۶۳).

با این حال، دولت‌های خودکامه مثل آلمان نازی همیشه مایل بوده‌اند که معاهدات خود را به صورت دوجانبه منعقد کنند، زیرا معاهدات چندجانبه میان دولت‌های جهان قواعدی عام به وجود می‌آورد که در پدیداری نظم عمومی بین‌المللی تأثیر بسیار دارد و از این رو در راه توسعه‌طلبی دولت‌های جاه‌طلب و زورگو مانعی جدی ایجاد می‌کند (فلسفی، ۱۳۹۱، ۱۶۲ و ۱۶۳).

1. treaty - law

2. treaty - contract

3. bilateral

4. multi - lateral / multi - party

۴،۴. از حیث موضوع

معاهدات می توانند سیاسی (مثل معاهدات صلح یا خلع سلاح)، بازرگانی (مانند تعرفه ها یا شیلات)، اساسی یا اداری (مانند منشور ملل متحد و آژانس های تخصصی)، قانونی (مثل استرداد و حقوق جنگ) یا دربردارنده سایر موضوعات باشند که بر این اساس نیز مورد طبقه بندی قرار گرفته اند (ایوانز، ۱۳۸۱، ۸۲۵).

۵. مبانی فقهی

مفهوم معاهده بین المللی در اسلام متأثر از مفهوم کلی قرارداد است؛ با این تفاوت که این قرارداد به جای این که میان افراد باشد، میان کشور اسلامی با سایر کشورها یا سازمان های بین المللی در زمینه های مختلف سیاسی، بازرگانی، نظامی، و امثال آنها منعقد می گردد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۷).

مبنای بنیادین الزام آوردن قراردادها نیز در نظام حقوقی اسلام، و در سایر نظام های حقوقی، «اصل وفای به عهد» است. اسلام در قبول اصل وفای به عهد تا بدانجا پیش رفته که آن را واجب شرعی قلمداد می کند.^۱ قرآن کریم در آیات مختلفی بر اصل وفای به عهد دارد که از این میان می توان به آیه ۱۷۷ از سوره مبارکه بقره اشاره کرد که می فرماید: «و لکن نیکوکار کسی است که به خدا ایمان می آورد و چون پیمان می بندد، به پیمانش وفا می کند.»^۲ (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۹). علاوه بر آیه مذکور، در آیات متعدد دیگری از قرآن نیز اصل مذکور مورد تأیید قرار گرفته است.^۳

۱. نک. به ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۲، جلد ۱، ص ۱۲۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالحديث، ۱۴۲۹ ق، ص ۳۴۱؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی (بیروت)، ۱۴۰۳ ق، جلد ۷۱، ص ۷۰.

۲. و لکن البر من آمن بالله... و الموفون بعهدهم إذا عاهدوا... (بقره/۱۷۷)

۳. به عنوان نمونه می توان آیا زیر را ذکر کرد:

- مائده/۱: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ / ای کسانی که ایمان آورده اید به قراردادها [ی خود] وفا کنید
- بنی اسرائیل/۳۴: ... وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا / و به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.
- آل عمران/۷۶: بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ / آری هر که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید بی تردید خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

حضرات معصومین (علیهم السلام) نیز در احادیث بسیاری به وفای به عهد و التزام پیمان سفارش نموده‌اند که شاید بهترین و جامع‌ترین آن‌ها سخنی باشد^۱ که امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر بیان فرمودند: «اگر با دشمن پیمانی بستی، بدان وفا کن و با رعایت امانت به تعهد خویش پای بند باش، و با دل و جان در انجام آن بکوش، چه هیچ‌یک از واجبات الهی نیست که مردم با همه اختلاف نظرهایی که دارند، بر آن اتفاق نظر داشته باشند، مانند وفای به عهد و مشرکان نیز در بین خودشان آن را محترم شمرده‌اند زیرا عواقب پیمان‌شکنی را دیده‌اند. پس به تعهد خویش جفا و خیانت مکن، و از خیانت به دشمن برحذر باش، چه آن‌که بر خدا گستاخی نکند جز نادان بدبخت و خداوند با رحمت خویش عهد و پیمانش را محیط امن و حریم آسایش بندگان قرار داده، تا در حمایت او پناه گیرند، بنابراین فساد، تدلیس و نیرنگ محکوم است.» (رهبر، ۱۳۸۱: ۱۵۷ و ۱۵۸)

به این ترتیب، انعقاد معاهده میان مملکت اسلامی با بیگانگان (کفار) در اسلام پذیرفته شده است و مسلمان وظیفه دارند به مفاد پیمانی که منعقد می‌کنند، ملتزم بمانند. این رویه در سنت پیامبر اسلام (ص) نیز تأیید شده و ایشان در طول حیات مبارک خود چند معاهده

انفال/۷۲: ... وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ... / و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند یاری آنان بر شما [واجب] است مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است.

توبه/۴: إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ / مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از [تعهدات خود] نسبت به [شما] فروگذار نکرده و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند پس پیمان اینان را تا [پایان] مدتشان تمام کنید چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد.

توبه/۷: ... فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ... / پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند با آنان پایدار باشید
نحل/۹۱: وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ / و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود] را پس از استوار کردن آنها مشکند با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند.

مومنون/۸ و معارج/۳۲: وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ / و آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می‌کنند.
۱. در احادیث متعدد دیگری نیز این امر مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در حدیث دیگری از امام علی (ع) نقل است: «المؤمنون عند شروطهم الا ما حرم حلالا او حلالا حراما» در تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، جلد ۷، ص ۴۶۷.

را با کفار و بیگانگان منعقد فرمودند. به عنوان نمونه می توان به پیمان عقبه^۱، منشور مدینه^۲ و پیمان صلح حدیبیه^۳ اشاره نمود (موسوی خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۲۵ و ۱۲۶).

مهادنه، معاهده، مواده، و مصالحه نیز اصطلاحاتی است که در متون فقهی و تاریخ اسلام در خصوص معاهدات کشور اسلامی با کفار و بیگانگان به کار رفته و در معنی، بسیار مشابه یکدیگرند^۴ (موسوی خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

از سوی دیگر، همان طور که اشاره شد، شرایط انعقاد معاهدات در اسلام، برگرفته از همان شروطی است که برای انعقاد قرارداد ضرورت دارد^۵؛ اما شرط مهمی که در معاهدات باید رعایت گردد و یکی از اصول بنیادین حاکم بر روابط بین المللی در اسلام به شمار می آید، قاعده نفی سبیل است. مطابق این قاعده از قرآن کریم^۶، راه هرگونه نفوذ و تسلط حکومت های خارجی و اتحاد بیگانگان (کفار) بر کشورهای اسلامی و اتحاد مسلمانان مسدود شده است. بنابراین، انجام هر نوع عملی و برقراری هرگونه ارتباطی (میان مسلمانان و بیگانگان) که موجب استیلا و تسلط بیگانگان بر کشورهای اسلامی و یا اشخاص و اموال مسلمانان شود، برای حکومت اسلامی و مسلمانان ممنوع و حرام می باشد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۴۵).

۶. مبانی حقوقی

همان طور که پیش از این نیز اشاره شد، هر معاهده پس از لازم الاجرا شدن و ورود به

۱. پیمان عقبه میان پیامبر اکرم و نمایندگان قبایل اوس و خزرج منعقد گردید که مفاد آن راجع به اعتقاد و التزام به اسلام، هجرت رسول خدا به مدینه و اتحاد و دفاع مشترک بود.

۲. منشور مدینه میان حکومت نوپای اسلامی و واحدهای سیاسی مستقل یهودی و غیریهودی مدینه منعقد گردید.

۳. صلح حدیبیه میان حکومت اسلام و قبایل متحد با آن از یک طرف و مشرکان مکه و قبایل متحد با آنان از طرف دیگر، بسته شد. مفاد این معاهده عبارت بود از ترک مخاصمه به مدت ۱۰ سال، احترام به پیمان های یکدیگر، تأمین امنیت راه های تجاری، آزادی تبلیغ اسلام و انجام مراسم مذهبی مسلمانان و برخی حقوق و تکالیف دیگر.

۴. هدنه یا مهادنه، نوعی قرارداد آتش بس و تارکه جنگ است که بین دولت اسلامی و دولت بیگانه منعقد می شود که ممکن است افزون بر تبیین اصل آتش بس و چگونگی آن، شروط و مواد دیگری نیز - از جمله شروط مربوط به حقوق بیگانگان - در آن گنجانده شود.

۵. شروطی مانند اهلیت طرفین، قصد و رضا، معین بودن موضوع و

۶. نساء/۴۱: ... وَ كُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا / و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

نظام حقوقی بین‌المللی معتبر است و باید از سوی طرف‌های آن اجرا شود. از این روست که یکی از ویژگی‌های هر قاعده حقوقی، از جمله معاهدات بین‌المللی، الزام‌آور بودن آن‌ها برای طرف‌ها است (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). زیربنای چنین الزامی، همان اصل بنیادین «وفای به عهد»^۱ است که از گذشته‌های دور، در تمامی نظام‌های حقوقی مورد پذیرش واقع شده است. عدم پذیرش و مراعات این اصل، شیرازه حقوق روابط بین‌المللی دولت‌ها و به طور کلی حقوق بین‌الملل را از هم خواهد پاشید. به همین دلیل، اصل وفای به عهد و الزام به اجرای معاهدات در حقوق بین‌الملل تا جایی پیش‌رفته است که عدم اجرا یا اجرای خلاف آن معاهده، ممکن است موجبات مسئولیت بین‌المللی کشور یا سازمان بین‌المللی مربوط را فراهم آورد (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

البته همواره ممکن است در صورت تحقق شرایط خاص یا وقوع حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی (مانند جنگ، فروپاشی و...) معاهده‌ای نقض گردد یا خاتمه یابد. بر همین اساس است که یکی دیگر از اصول حاکم بر معاهدات بین‌المللی شکل می‌گیرد و آن «اصل تغییر بنیادین اوضاع و احوال»^۲ است. مطابق این اصل، زمانی که تغییر بنیادین اوضاع و احوال رخ می‌دهد، معاهده از حالت الزامی خارج می‌شود. تحقق اصل مذکور به انقضای معاهده منجر می‌گردد، اگرچه به طور کلی نسبت به معاهدات بنیادین با کارویژه عمومی نظیر منشور ملل متحد، کنوانسیون ژنو، یا کنوانسیون‌های وین قابل‌اجرا نیست (ایوانز، ۱۳۸۱: ۸۲۵).

یکی دیگر از اصول مهم حاکم بر معاهدات بین‌المللی، اصل «نسبی بودن» آن‌ها است. معاهدات معمولاً تنها نسبت به امضاکنندگان لازم‌الاجرا تلقی می‌شوند (ایوانز، ۱۳۸۱: ۸۲۴ و ۸۲۵) و بنابراین طرف‌های معاهده اصولاً نمی‌توانند تعهداتی را له یا علیه ثالث وضع نمایند. البته این قاعده نیز مانند بسیاری از قواعد دیگر دارای استثنائاتی است. در واقع، معاهدات می‌توانند دارای آثار مفیدی برای ثالث باشند، و در مقابل، امکان دارد تعهدات و الزاماتی نیز به کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی ثالث تحمیل نمایند (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). در برخی موارد، معاهدات رژیم‌هایی را ایجاد می‌کنند که به طور عینی برای طرفین ثالث که معاهده را امضا نکرده‌اند، معتبر تلقی می‌شوند. برای مثال، توافق‌های چندجانبه‌ای که تحت نظارت سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی آن منعقد می‌شود و ناظر بر

1. pacta sunt servanda
2. rebus sic stantibus

موضوعاتی مربوط به منافع مشترک نظیر مصونیت دیپلماتیک و یا حقوق دریاها هستند، تعهدات و تکالیفی را برای غیراعضا نیز ایجاد می کنند (ایوانز، ۱۳۸۱: ۸۲۴ و ۸۲۵).

۷. نظام حقوقی ایران

به موجب اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی میان دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند و سپس رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او آن‌ها را امضا کند.^۱

با توجه به مقررۀ مذکور، مادۀ ۹ قانون مدنی^۲، معاهدات منعقدۀ توسط دولت ایران با سایر کشورها را در حکم قوانین عادی می‌داند و این امر به منزله مهر تأییدی بر لزوم رعایت آن‌ها از سوی تمامی تابعان قوانین ایران به حساب می‌آید.

قاعدۀ مذکور مبین آن است که کلیۀ معاهدات بین‌المللی - تحت هر عنوان که باشند - باید مورد تصویب مجلس قرار گیرند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). با این حال، عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند با توجه به روح قانون اساسی، فقط معاهدات مهم بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد و ثانیاً هیچ‌چیز مانع از آن نیست که وزیر خارجه در قبال مسؤولیتی که دارد تصویب موافقت‌نامه‌ای را از مجلس درخواست کند که در این صورت به محض اعلام نظر موافق مجلس و تأیید شورای نگهبان اعتبار لازم را می‌یابد (فلسفی، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

به نظر می‌رسد به سختی می‌توان نظر اخیر را پذیرفت و تنها معاهدات مهم را موضوع محدودیت مقرر در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی دانست. بر همین اساس، گروه دیگری از حقوق‌دانان، با توجه به صراحت اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، و با عنایت به مادۀ ۹ قانون مدنی و با استناد به تفسیرهای شورای نگهبان معتقدند اصول مذکور با ذکر مطلق عناوین

۱. اصل ۷۷ ق.ا: عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۱۲۵ ق.ا: امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست.

۲. مادۀ ۹ ق.م: مقررات عهدی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقدشده باشد در حکم قانون است.

«عهدنامه، مقاوله‌نامه و ...» بدون اعتنا به دسته‌بندی معاهدات ساده و رسمی، همه آن‌ها را منوط به تصویب مجلس دانسته و ظاهراً راه را بر هرگونه استثناء بسته است (حدادی، ۱۳۸۱: ۱۳۱؛ ضیائی‌بیگلری، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

از سوی دیگر، هیئت وزیران در سال ۱۳۷۱ آیین‌نامه‌ای در خصوص «چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات‌های بین‌المللی» به تصویب رساند. مطابق ماده یک این آیین‌نامه، توافق حقوقی تشریفاتی، توافقی است که نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد و در سایر موارد، توافق حقوقی ساده محسوب می‌شود. در مقابل، با توجه به ماده ۲، مقرر می‌شود که توافقات‌های حقوقی ساده بدون تصویب مجلس و بدون دخالت رئیس‌جمهور و تنها با امضای وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه مستقل یا مقامات صلاحیت‌دار از سوی آن‌ها منعقد می‌گردد (حدادی، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

شورای نگهبان نیز در چند نظریه تفسیری این موضوع را مورد ملاحظه قرار داده است. شورای نگهبان در نظر مورخ ۲۰/۱/۱۳۶۰ و نظر مورخ ۸/۷/۱۳۶۰ خود اعلام نموده که قراردادهای دولت با اشخاص خصوصی خارجی مشمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ نخواهد بود. البته در صورتی که چنین تفسیری نیز ارائه نمی‌شد، باز براساس حقوق بین‌الملل محرز بود که این نوع قراردادها معاهده محسوب نمی‌شوند. از این رو، اطلاق عنوان توافق حقوقی ساده بر این نوع قراردادها صحیح نمی‌باشد (حدادی، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

شورای نگهبان در نظر دیگری (مورخ ۸/۹/۱۳۶۲) اعلام داشت: «یادداشت تفاهم چنانچه ایجاد تعهد نماید مثل قرارداد است و باید ضوابط مقرر در قانون اساسی در آن رعایت شود.» بر این اساس، هرگونه توافق حقوقی دولت با سایر دولت‌ها به هر عنوان، حتی یادداشت تفاهم، باید به تصویب مجلس رسیده و پس از تأیید شورای نگهبان، توسط رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او امضا شود (حدادی، ۱۳۸۱: ۱۳۳). حتی شورای نگهبان در همین نظریه، قراردادهای جزئی را در صورتی که تعهد جدیدی خارج از محدوده اصل قرارداد ایجاد نمایند نیازمند تصویب مجلس دانسته است.

در نهایت، شورا در تاریخ ۱۳۶۳/۰۸/۱۸ در تفسیر دیگری پیرامون اصل ۷۷ بیان می‌دارد: «اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵ از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌های دولتی ایران و شرکت‌های دولتی خارجی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می‌گردد منصرف است و موارد خاص این‌گونه قراردادها در صورتی که

ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشد، نیاز به تصویب مجلس ندارد.»
 باین حال، همان طور که اشاره شد، قراردادهای تجاری دولت با شرکت های دولتی یا خصوصی خارجی، معاهده به شمار نمی آید و از شمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی خارج است. بنابراین، در مجموع چنین به نظر می رسد که تصویب کلیه معاهدات به جز از طریق مجلس، خلاف قانون اساسی است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). لذا حتی در مواردی که در متن معاهده به تصویب اشاره ای نشده، نباید تصور کنیم که دولت می تواند به دور از چشم مجلس از حدود اختیارات اجرایی خود تجاوز نماید و نظام ملی را زیر پا گذارد (فلسفی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

جمع بندی

معاهدات بین المللی، به عنوان توافق کتبی میان دولت‌ها یا سازمان‌های بین المللی که مطابق حقوق بین الملل منعقد می‌گردد، یکی از مهم ترین نهادها و منابع حقوق بین الملل به شمار می‌آید که نقش عمده‌ای در تنظیم روابط دولت‌ها با یکدیگر و تعهداتشان در قبال جامعه بین المللی ایفا می‌کند.

اعتبار این نهاد حقوقی، که ریشه در اصل بنیادین «وفای به عهد» دارد، در حقوق اسلام نیز مورد شناسایی قرار گرفته و شرایط و حدودی برای آن مقرر شده است. مهم ترین این شرایط، قاعده نفی سبیل، یا ممنوعیت اعمالی که به تسلط کفار بر مسلمانان یا سرزمین‌های اسلامی می‌انجامد، می‌باشد.

از سوی دیگر، معاهدات بین المللی در نظام حقوقی ایران، در حکم قانون عادی است که در صورت رعایت شرایط مقرر در قانون اساسی و سایر قوانین (مانند تصویب مجلس و امضای رئیس جمهور) از قدرتی هم‌تراز قوانین عادی برخوردار است. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه معاهدات بین المللی دولت ایران با سایر دولت‌ها باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بنابراین کسب مجوز مجلس، شرط پیشینی انعقاد معاهدات بین المللی دولت به طور مطلق در نظر گرفته شده است. البته در اجرای این اصل باید توجه داشت که وصف معاهده بین المللی (تحت عناوین مذکور در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی) اهمیت دارد و سایر قراردادهای دولت، مانند قراردادهای بازرگانی با شرکت‌های خصوصی خارجی، که فاقد وصف مذکور هستند را در بر نمی‌گیرد.

منابع مرتبط جهت مطالعه بیش تر

کتاب

۱. عنایت، سیدحسین، تنظیم معاهدات بین المللی در حقوق کنونی ایران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۰
۲. موسی زاده، رضا، حقوق معاهدات بین المللی، نشر میزان، ۱۳۷۷
3. Aust A., Modern Treaty Law and Practice, Cambridge University Press, 2000
4. Elias T.O., The Modern Treaties, Manchester up, 1984
5. Klabbers J., Lefeber R. (ed), Essays on the Law of Treaties, The Hague, 1997

مقالات

۱. برانلی، یان، نظری اجمالی بر حقوق معاهدات، ترجمه احمد قظینه، مجله حقوقی، شماره ۵، ۱۳۶۵
۲. برزی، ورود، آثار معاهدات نسبت به کشورهای ثالث، مجله بصیرت دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۲، سال دهم، شماره ۳۰ و ۳۱
۳. ضیائی یگدلی، محمدرضا، پیوندهای بنیادین عرف و معاهده در حقوق تطبیقی و حقوق بین الملل، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱، ۱۳۷۸
۴. ماهروزاده، رضا، تفسیر معاهدات بین المللی، مجله روابط بین الملل، شماره ۹، ۱۳۵۶
۵. ناصری لاریجانی، نغمه، تعامل میان حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین المللی در توجیه عدم ایفای تعهدات بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، ۱۳۸۹، شماره ۴۲

پایان نامه ها

۱. آقائی، علی اکبر، آثار جنگ بر معاهدات بین المللی، به راهنمایی هدایت الله فلسفی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴
۲. دادرس جوان، عذرا، حق شرط در معاهدات بین المللی، به راهنمایی هدایت الله فلسفی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳
۳. سودمندی، عبدالمجید، اعتبار معاهدات بین المللی از دیدگاه فقه شیعه، به راهنمایی محمد قاری سیدفاطمی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲

فهرست منابع

کتاب

۱. ایوانز، گراهام، نوام، جفری، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه مشیرزاده، حمیرا، شریفی، حسین، نشر میزان، ۱۳۸۱
۲. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، زیر نظر دکتر سیدجعفر شهیدی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
۳. رابرت بلدسو، بوسچک، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه آقایی، بهمن، نشر کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۷
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸
۶. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل اسلام، کتابخانه گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۸۹
۷. فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی، ترجمه المنجد الابدی، ترجمه احمد سیاح، نشر فرحان، چاپ دوم، ۱۳۸۳
۸. فلسفی، هدايت‌الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، چاپ سوم، ویراست سوم، ۱۳۹۱
۹. منشور سازمان ملل متحد به همراه اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص معاهدات و اعلامیه جهانی حقوق بشر، ترجمه کمالان، سید مهدی، نشر کمالان، ۱۳۸۹

مقالات

۱. حدادی، مهدی، جایگاه موافقت‌نامه‌های حقوقی ساده در حقوق ایران، نشریه مجتمع آموزش عالی قم، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۱۴ - صص ۱۱۳ - ۱۴۹
۲. رهبر، کاظم، پیمان‌ها و معاهدات در نهج‌البلاغه، نشریه علوم قرآن و حدیث، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، تابستان و پاییز ۱۳۸۱، شماره ۵ و ۴، صص ۱۴۷ - ۱۵۸
۳. موسوی خراسانی، سیدمحمدحسن، مبانی حق شرط در حقوق بین‌الملل و اسلام، نشریه الهیات و حقوق، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۲۸، صص ۱۱۱ - ۱۴۲
۴. میرعباسی، سیدباقر، نگرشی بر تحول و توسعه تاریخی حقوق معاهدات بین‌المللی، نشریه مجتمع آموزش عالی قم، تابستان ۱۳۷۹، شماره ۶، صص ۲۳ - ۷۰

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



یزوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir